تخته سفید شماره ۶۶

چرایی اجرانشدن سند از نگاه مدیر طرح سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش

پشت پرده تغییر سند ملی به سند تحول بنیادین

اعظم پویان

سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش که در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ سال کشور نوشته شد، همچون بسیاری از اسناد بالادستی در مرحله اجرا با فرازونشیب‌های بسیاری روبه‌رو شد. سندی که در نیمه راه نوشته‌شدن دستخوش تغییرات مدیریتی در وزارت آموزش‌وپرورش می‌شود و در زمان حاجی‌بابایی، وزیر آموزش‌وپرورش دولت دهم، از سند ملی به سند تحول تغییر ماهیت می‌دهد و به گفته نویسندگان اصلی سند، از مسیر اصلی‌اش منحرف می‌شود و به زعم بسیاری از کارشناسان همین انحراف مانع جدی اجرائی‌شدن سند است. مهدی نویدادهم، دبیرکل شورای عالی آموزش‌وپرورش که از ابتدای شروع نوشتن سند به‌عنوان مدیر طرح سند، از زمان تصویب سند تا امروز پابه‌پای تمام وزرا در کنار سند بوده، اعتقادی به انحراف سند از مسیر اصلی‌اش ندارد و اجرائی‌نشدن سند را به عوامل دیگری ربط می‌دهد. نویدادهم که این روزها زمزمه بازگشتش به دانشگاه شهید رجایی به گوش می‌رسد، در گفت‌وگو با «شرق» از پشت پرده تبدیل‌شدن سند ملی به سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش سخن می‌گوید.

مطابق سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش و چشم‌اندازی که تعریف شده، قرار است در سال ۱۴۰۴ آموزش‌وپرورش ما کجا قرار بگیرد و اکنون کجاست؟

زمانی که سند تدوین می‌شد، چند پیش‌فرض وجود داشت که ما تا پایان راه به این پیش‌فرض‌ها نیاز داریم و باید پیگیری شود. یکی از پیش‌فرض‌ها این بود که ایجاد تحول در آموزش‌وپرورش کاری نیست که آموزش‌وپرورش به تنهایی از پس آن بر بیاید و نیاز به یک عزم ملی و همراهی سایر ارگان‌ها دارد. جامعه باید چند چیز را بپذیرد تا این عزم ملی شکل بگیرد. اول اینکه بپذیرند توسعه کشور از مدارس و دانش‌آموزان شروع می‌شود و اگر این باور ایجاد شود، به توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌رسیم. هم دلیل کارشناسی دارد و هم تجربه جهانی این را می‌گوید که باید از بچه‌ها شروع کنیم. در زندگی شخصی ما این باور وجود دارد و همه ما به‌عنوان پدر و مادر اولویت را به فرزندمان می‌دهیم اما، در نگاه جمعی این‌گونه نیستیم و فکر نمی‌کنیم اول به مدرسه‌ها و معلمان و دانش‌آموزان برسیم، بعد برویم پارک و هتل و... بسازیم. این است که در و دیوار مدرسه تناسبی با مؤسسه‌ها و حتی مؤسسه‌های دولتی ندارد. باید باور کنیم نقطه آغاز توسعه، مدرسه است. داگلاس نورث، اقتصاددان از این منظر تحلیل می‌کند و می‌گوید اگر می‌خواهید ببینید کشوری توسعه‌یافته هست یا خیر، بروید ببینید در مدرسه‌هایش چه خبر است و در آنجا سراغ دانش‌آموزان ابتدایی بروید. اگر پرسشگری و خلاقیت و کارآفرینی و صبوری یاد می‌گیرند، این کشور توسعه‌یافته است. این نگاه در کشور ما نیست.

پیش‌فرض دوم این بود که آموزش‌وپرورش موجود وافی به مقصود نیست و کارآیی لازم را ندارد و به شدت نیازمند درمان است و باید به لحاظ ذهنی آمادگی تغییر را داشته باشیم.

پیش‌فرض سوم این بود که اگر می‌خواهیم تحول ایجاد کنیم مطلوبمان را در طرح‌های گذشته جست‌وجو نکنیم و یک نگاه آینده‌پژوهانه داشته باشیم. پس باید مهارتی به دانش‌آموز بدهیم که آینده بتواند از آن استفاده کند. این‌گونه است که به اذعان بسیاری از متخصصان سند تحول خوب تنظیم شده است؛ به‌خصوص اگر آن را با اسناد مشابهی که در کشور وجود دارد، مقایسه کنیم؛ قطعا سند تحول رتبه بالایی نسبت به بقیه سندها که در کشور وجود دارد، می‌گیرد اما اجرای سند تحول موضوع دیگری است. الزامات و زیرساخت‌هاست که باید شکل بگیرد. یکی از این زیرساخت‌ها همین عزم ملی بود که شکل نگرفت، با وجود اینکه ما بسیار تلاش کردیم. همراهی خانواده‌ها مهم بود و پذیرش تغییر و هزینه‌های تغییر که شکل نگرفت. در این تغییر باید هزینه پرداخت شود و ممکن است برخی داشته‌ها از دست برود اما این لازمه تغییر است تا به نتیجه برسد. در تحول قرار است ساختمان ۷۰، ۸۰ ساله آموزش‌وپرورش بازتولید شود، پس باید جامعه و خانواده صبوری کنند. یک نمونه‌اش همین حذف آزمون‌های زاید است که تحمل نشد. ما هر جا می‌خواهیم دست بزنیم و تکانی بدهیم، می‌بینیم عده‌ای دودستی چسبیده‌اند و اجازه نمی‌دهند. در هر صورت با اطلاعی که از ستاد و استان‌ها دارم، فکر می‌کنم سیستم به سمت ایجاد تحول حرکت می‌کند اما کند می‌رود و سرعتش آن چیزی نیست که ما طراحان و مجریان پیش‌بینی می‌کردیم. سیر تکاملی است و وضع امروز ما از شش ماه پیش بسیار بهتر است. فرهنگ و باورش در جامعه و مخاطبان به وجود آمده و الان سند تحول به یک فهم مشترک تبدیل شده است. در گذشته هرکسی از ظن خود آموزش‌وپرورش را تعریف می‌کرد اما اکنون همه به سند ارجاع می‌دهند و این دستاورد مهمی است.

دلیل کندی پیشرفت سند تحول چه بود؟

عنصری که باعث این سرعت کند شد و در مقاطعی از زمان حتی متوقف شد، تغییرات پیاپی و توجیه‌ناپذیر وزرای آموزش‌وپرورش بود. نظام مدیریتی آموزش‌وپرورش با تحول همراهی نمی‌کند زیرا تحول امری بلندمدت است و یک مدیر حاذق می‌خواهد تا بالاسر کار باشد و گام به گام کار را جلو ببرد. این نقش رئیس دستگاه یعنی وزیر است که متأسفانه معمولا دولت‌ها مستعجل‌اند و در نتیجه وزیر ناگزیر است کاری کند که مشهود باشد و بتواند عرضه کند تا اگر نماینده مجلسی خواست استیضاح کند، بتواند ارائه دهد. این از آفت‌های جدی است که البته در سند راه‌حل برای این مشکل داشتیم اما نتوانستیم در مراجع بالاتر به تصویب برسانیم. برای مثال مدیر مدرسه را مطرح کردیم و حکم کلی آن آماده شد اما در مراجع تصویب‌کننده، تصویب نشد. به همین دلیل با رفت‌وآمد وزیر، مدیرکل‌ها تغییر می‌کنند و حتی مدیر مدرسه جابه‌جا می‌شود و همین آسیب می‌زند.

می‌فرمایید سند به یک فهم مشترک تبدیل شده و همه به سند ارجاع می‌دهند؛ پس باید به‌لحاظ محتوا و روش بسیار کامل باشد. آیا سند تحول درون خودش ضمانت اجرا دارد؟

از نظر متدولوژی نسبت به اسناد مشابه، من مدعی‌ام در فرایند تدوین بسیار کامل تدوین شده؛ البته وحی منزل نیست و کار بشر است و همین امروز اگر دست‌اندرکاران سند بخواهند مجددا سند را بنویسند با دانش جدید می‌نویسند اما در مقایسه با سایر اسناد نقاط قوت فراوانی دارد. اما اینکه آیا الزامی باشد که رفت‌وآمد وزرا تأثیر نگذارد، باید بگویم ما یک مشکل فرهنگی در کشور داریم. ما برنامه‌محور حرکت نمی‌کنیم و شخص‌محور جلو می‌رویم. همیشه برنامه‌ها وابسته به اشخاص است. بنابراین برنامه‌هایی که خوب تدوین و تنظیم شود هم معمولا خوب اجرا نمی‌شود. این فقط مربوط به آموزش‌وپرورش نیست؛ ما پنج برنامه توسعه پیش از انقلاب و شش برنامه بعد از انقلاب داشته‌ایم در واقع ۱۱ برنامه در کشور تدوین و تصویب شده که در خوشبینانه‌ترین حالت کارشناسان معتقدند ۳۰ تا ۴۰ درصد آن عملی شده است. مشکل اجراست؛ چون فردمحور هستیم و عمری افراد بر ما حاکمیت کرده‌اند.

در یکی از ملاقات‌هایی که به مناسبت هفته معلم با مقام معظم رهبری داشتیم، وزیر محترم وقت سند گزارش دادند و حضرت آقا فرمودند این کارها خوب است ولی من به دنبال تحولی از سنخ دیگری هستم و این شد که ما به دنبال تغییرات جدی ریشه‌ای و اساسی رفتیم. سند تحول مدعی تغییر ریشه‌ای است. قبل از تغییر نام از سند ملی به سند تحول، ما فلسفه آموزش‌وپرورش داشتیم

یکی از نکات قوت سند این بود که کمیته‌های مختلفی برای تدوین سند فعال بودند و یک خرد جمعی بر آن حاکم بوده، چه شده که وقتی به اجرا می‌رسیم، مشکل داریم؟

مرحله اجرا جدا از تدوین و سیاست‌گذاری است. در اجرا تصمیم‌گیر تدوین‌کنندگان نیستند و مجریان دیگری‌ها بودند. خیلی سعی شد با همان خرد جمعی کار جلو برود اما نشد زیرا آموزش‌وپرورش ما با آسیب‌های روزمره خودش روبه‌روست و مدیر وقت تلاش می‌کند امروزش را اداره کند و پول آب و برقش را جور کند یا حقوق معلمش را پرداخت کند و... . همه اینها باعث شد فرصت اندیشه به تحول نداشته باشد. در واقع بی‌ثباتی در مدیریت یکی از عوامل است و عوامل دیگر شامل عدم روحیه برنامه‌گرایی و مشکلات اقتصادی آموزش‌وپرورش است که مشکلات روزمره‌ای را برای مدیران ایجاد کرده است. اقتصاد آموزش‌وپرورش دست وزیر نیست و یک عزم ملی می‌طلبد تا حل شود. تا نظام و حاکمیت و دولت نخواهند مشکلات آموزش‌وپرورش از نظر اقتصادی حل شود یا نتوانند، مشکل آموزش‌وپرورش حل نمی‌شود. در جاهایی که دولت‌های مختلف اولویتی داشتند در همین بی‌پولی کشور، منابع آن تأمین شد مثل بهداشت در دولت اخیر، چون اولویت دولت بود. در نظام آموزشی پیش‌دبستانی تا آموزش عالی وقت تخصیص منابع دیده می‌شود آموزش‌وپرورش در اولویت نیست و نتیجه این می‌شود که سهم آموزش عالی افزایش یافته و سهم آموزش‌وپرورش کاهش داشته است. در نتیجه اکنون دانشگاه‌هایی داریم که صندلی دارند و آدم برای نشستن ندارند و در آموزش‌وپرورش آدم داریم و صندلی نداریم و روی زمین دانش‌آموز درس می‌خواند. همه در محافل مختلف به این باور رسیده‌اند که رشد دانشگاه‌ها و آموزش عالی از نظر کیفی و کمی قابل توجیه علمی و کارشناسی نیست اما انجام شد و این است که الان مهندس بی‌کار زیاد داریم.

شما از همان ابتدا که نوشتن سند شروع شد مدیر طرح بودید و از فرازونشیب‌هایی که بر سند رفته، آگاه هستید. به نظر شما تا چه اندازه سند اجرائی شده است؟

من در شورای عالی آموزش‌وپرورش هستم که نقش اجرائی ندارد. فقط نقش سیاست‌گذاری دارد و وزارتخانه نقش اجرائی دارد. مشابه مناسبات مجلس و دولت است. آیا هرآنچه مجلس تصویب می‌کند تماما دولت‌ها اجرا می‌کنند. نه این‌گونه نیست. مسئله این است مجریان نگران اولویت‌هایشان هستند. اولویت‌شان تحول نیست. دغدغه‌های اقتصادی دارند. مدیران ما در این شرایط درگیر روزشان هستند. من تحولات سند را پیگیری می‌کنم و سعی کرده‌ام از هر تغییری حتی اگر منفی باشد، فرصت مثبت بسازم. این سند اول ملی بود و تبدیل به سند تحول شد. ما این تغییر را دادیم. ما در یک تحلیل کارشناسی به این واژه رسیدیم وگرنه این سند با همان کارکرد ملی هنوز ملی است، اما با تغییر وزیر سند تحول بنیادین نشده است. نقدهایی به سند وارد است و این سند حرف آخر نیست و این ادعا یعنی دگماتیسم اما همین سند پیام‌های مثبت و تحول‌آفرینی دارد که اگر اجرا شود آموزش‌وپرورش را واقعا متحول می‌کند. بسیاری به من می‌گویند در فصل هشتم آمده هر پنج سال سند اصلاح شود. من می‌گویم قبول، ولی اول اجرا کن بعد اصلاح کن. دوباره به چرخه سندنویسی می‌افتیم. اینکه هنوز اجرا نشده بخواهیم یک تیم بگذاریم و دوباره سند بنویسیم، راهی به جایی نمی‌بریم. باید همین را اجرا و در فرایند اجرا اشکالات را برطرف کنیم.

سال ۸۸ برای سند تحول، یک تاریخ خاص است؛ سالی که سند ملی به وزیر دولت دهم تحویل داده شد و سال ۹۰ سندی با عنوان سند تحول ارائه دادند. ایشان این تحول را در تغییر ۷۰ درصدی سند می‌دانند. به زعم نویسندگان اصلی سند و بسیاری از کارشناسان، سند از مسیر اصلی‌اش منحرف شده است. نظر شما چیست؟

بحث دو قسمت دارد؛ یکی تدوین‌کنندگان اصلی سند هستند و دیگری منتقدانی که از حاشیه به سند نگاه می‌کنند. تدوین‌کنندگان اصلی بعد از گفت‌وگوهایی که داشتیم امروز نمی‌گویند ۷۰ درصد سند تغییر کرده و اکنون همان‌ها همراه سند هستند. دوره‌های آموزشی که برگزار می‌کنیم، همین تدوین‌کنندگان اصلی تدریس می‌کنند. وقتی سندی تدوین می‌شود، مرجع تصویب‌کننده حق قانونی‌اش است که اصلاحاتی انجام دهد و هیچ طرح و برنامه‌ای نیست که همانی که تدوین شده، تصویب شود. وقتی سند وارد شورای عالی آموزش‌وپرورش می‌شد خود تدوین‌کنندگان اصلی بودند که نظرشان را طرح می‌کردند و تغییراتی که لازم بود انجام می‌شد. شورای عالی آموزش‌وپرورش ۳۵ جلسه داشت و سند را تصویب کرد سپس وارد شورای عالی انقلاب فرهنگی شد. آنجا نیز کارگروه‌های مختلف و افراد و تخصص‌های مختلف آن را بررسی کردند. در همه این محافل سند می‌توانست کم و زیاد شود و من مدعی‌ام سند نسبت به اسناد مشابه کمترین تغییر را داشت. سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش وقتی وارد صحن علنی شورای عالی انقلاب فرهنگی شد ۲۲ هدف داشت و وقتی از شورا بیرون آمد ۲۳ هدف داشت. جالب است که نقشه مهندسی فرهنگی کشور که دبیرخانه شورای عالی فرهنگی تدوین کرد با ۴۳ هدف رفت شورا و با ۱۳ هدف بیرون آمد. ببینید چقدر تغییر کرد. تازه این نقشه را کارشناسان شورای عالی انقلاب فرهنگی خودشان تنظیم کرده بودند. این موضوع طبیعی است. پس تغییرات آن‌چنان نبوده و دیگر افرادی هم که اشاره می‌کنند ۷۰ درصد تغییر رخ داده، من تأیید نمی‌کنم. زمانی که جابه‌جایی وزیران را داشتیم با سند تدوین‌شده نهایی مواجه بودند. من تغییر را نفی نمی‌کنم اما ماهیت سند تغییر نکرد. می‌گفتند سند سکولار بود و ما دینی کردیم. کجای سند سکولار بود. مبانی نظری سند را متخصصان بنام تدوین کردند و این اتهامی بود که عده‌ای در جریانات سیاسی طرح می‌کردند. در بحث‌های کارشناسی تغییرات را قبول دارم، ولی این درصد نیست و تغییر به‌گونه‌ای نبود که ماهیت سند تغییر کند. ضمنا این تغییرات قبل از سال ۸۸ انجام شد. در یکی از ملاقات‌هایی که به مناسبت هفته معلم با مقام معظم رهبری داشتیم، وزیر محترم وقت درباره سند گزارش دادند و حضرت آقا فرمودند این کارها خوب است ولی من به دنبال تحولی از سنخ دیگری هستم و این شد که ما به دنبال تغییرات جدی ریشه‌ای و اساسی رفتیم. سند تحول مدعی تغییر ریشه‌ای است. قبل از تغییر نام از سند ملی به سند تحول، ما فلسفه آموزش‌وپرورش داشتیم.

دیگر افرادی هم که اشاره می‌کنند ۷۰ درصد تغییر رخ داده، من تأیید نمی‌کنم. زمانی که جابه‌جایی وزیران را داشتیم با سند تدوین‌شده نهایی مواجه بودند. من تغییر را نفی نمی‌کنم اما ماهیت سند تغییر نکرد. می‌گفتند سند سکولار بود و ما دینی کردیم. کجای سند سکولار بود. مبانی نظری سند را متخصصان بنام تدوین کردند و این اتهامی بود که عده‌ای در جریانات سیاسی طرح می‌کردند

در هر بند از سند عبارت «معیار نظام اسلامی» آورده شده است؛ آیا این باعث اسلامی‌شدن سند می‌شود؟

بیشترین بار معنایی سند، در مبانی نظری سند است. مبانی نظری که فلسفه آموزش‌وپرورش را تعیین کرده است، قبل از تغییر نام و بعد از تغییر نام تغییر آن‌چنانی ندارد. در واقع هوشیاری دادند که آنچه در مبانی نظری آمد از جنس تحول بنیادین باشد. آنها که فلسفه تعلیم‌وتربیت را تنظیم می‌کردند متوجه بودند که برای افراد دین‌دار و نه مردمی بی‌دین سند می‌نویسند و بنابراین تغییر ماهوی ریشه‌ای وجود ندارد و در فرایند تصویب عبارت «معیار نظام اسلامی» بیشتر تکرار شد و فقط برای بیان یک مطالبه بود. اگر حذف شود معنایش این نیست برای نظام سکولار نوشته‌شده بلکه برای اینکه خط گم نشود تأکید مضاعفی وجود دارد نه اینکه برای نظام کفر نوشته شود و بعد آقایان این را نوشته‌اند تا برای نظام اسلامی کارکرد داشته باشد و این یک سطحی‌نگری است.

زیادبودن تکرار این واژه ضد خودش نیست؟

قبول دارم به دلیل حساسیتی که مراجع تصویب‌کننده داشتند زیاد تکرار شده است، اما معنایش این نیست که اگر این واژه نبود آن جمله و حکم و راهکار و بحث برای جامعه غیردینی باشد. درواقع پیش‌فرض همین بود که برای جامعه ایرانی و اسلامی نوشته می‌شود. آموزش‌وپرورش مقوله فرهنگی است و در بستر فرهنگی ایران جریان پیدا می‌کند. هر فرهنگ اقتضائات خاص خودش را دارد پس نمی‌شود آموزش‌وپرورش را از کشورهای دیگر کپی کرد و اینجا آورد. چون هر کشور فرهنگ خاص خودش را دارد. ما در کشور چندفرهنگی زندگی می‌کنیم. سند این کار را کرده و حتی اقتضائات استانی را لحاظ کرده است. اکنون این قانون است و لازم‌الاجراست و بعد اگر نیاز به اصلاح باشد، برمی‌گردیم. خیلی از کشورها آمدند و سند ما را دیدند، تحسین کردند، ترجمه کردند و بردند و اکنون استفاده می‌کنند. من به آن دوستان هم می‌گفتم شما عین چنین چیزی را نمی‌توانید اجرائی کنید.

چه کشورهایی بردند؟

مثلا از کشور لبنان گروهی به دیدار من آمدند و نسخه عربی را نشان دادند و گفتند ما سند تحول شما را ترجمه کرده‌ایم. بدون اطلاع ما این کار را کرده بودند.

در آن کشورها این سند در بعد اجرا جواب داده است؟

خیر؛ آنجا هم مشکلات خاص خودشان را دارند اما مسئله این است که این روزها در کشور ما همه‌چیز سیاسی شده و ما دیگر هم‌افزایی نداریم. بیش از حد کشور و قضاوت‌هایمان سیاسی شده است درحالی‌که باید ملاک‌های ما فرهنگی شود و با فرهنگ مشترکمان با هم صحبت کنیم. اشتراک‌های خود را نمی‌بینیم و ۱۰ درصد اختلاف را آن‌قدر پررنگ کردیم که حاضر نیستیم کنار هم بنشینیم و صحبت کنیم. سند مدعی است رویکردش فرهنگی است و نه سیاسی.

مقام معظم رهبری در دیدار با فرهنگیان در اردیبهشت، از اجرائی‌نشدن سند شکایت کردند. آیا از آن زمان تحرک خاصی اتفاق افتاده است تا اجرائی‌شدن سند جدی گرفته شود؟

به زعم من پرچمدار تحول در آموزش‌وپرورش رهبری هستند. خودشان بیش از همه به این مهم تأکید داشتند که این آموزش‌وپرورش ما وارداتی است و متناسب با کشور اسلامی نیست و همین موتور محرکه نویسندگان سند شده است. در جریان اجرائی‌شدن سند هم هستند. همه وزرا در برنامه‌هایشان اعلام کردند، می‌خواهند سند را اجرائی کنند. اما همه آنها امتیازات یکسانی نمی‌گیرند، برخی بیشتر تلاش کردند و برخی کمتر. آقای بطحایی ساختارهای مدیریتی جدیدی ایجاد کرده است و هر هفته برای سند وقت می‌گذارند و این امیدوارکننده است. البته تأکید می‌کنم اجرای سند به همراهی همه دستگاه‌ها نیاز دارد. فهم عمومی باید ارتقا پیدا کند و خانواده‌ها مطالبات جدیدی از ما داشته باشند. اگر این حس در همه ما به وجود بیاید و به قول مرحوم دکترعظیمی، پنج سال هرچه داریم خرج بچه‌هایمان کنیم، آن‌وقت می‌بینیم ساحت‌های ششگانه اجرا می‌شود؛ این را ما هنوز باور نداریم.

جدول ۳۱۸۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- پنجمین پیشوای مسلمانان که سالروز شهادتش را تسلیت می‌گوییم- عظمت ۲- شهر توت- بازماندگان- خیال‌باف ۳- مترسک- از نام‌های دخترانه- گل خیری ۴- شجاع و جنگجو- نامی برای بلدرچین- ادعا ۵- دریانورد- درهم‌ریخته ۶- چین‌وچروک پوست- نوعی پارچه ضخیم و خشن که آب در آن نفوذ نمی‌کند- لاغر و ضعیف ۷- جانور خیالی ترسناک- وسیله‌ای برای انتقال صدا- مقابل روز ۸- نهایی- علاج‌کردن- پوست خام دباغی‌نشده ۹- مادر ورزش‌ها- آبشار کوچک- بستر ۱۰- شکوه و جلال- نگهبان- از واجبات نماز ۱۱- قابل خواندن- شرکتی که سرمایه آن متعلق به چند نفر است ۱۲- بزرگ‌ترین جزیره خلیج‌فارس- لازم و ضروری- روی قاب پنجره می‌اندازند ۱۳- ارباب- دعا به درگاه خدا- آغشته به رنگ ۱۴- ساکن قطب شمال- داستانی نوشته علی موذنی- خاک سرخ ۱۵- شهر زیارتی- نام یک گروه مذهبی شیعی که بنیان‌گذار آن نواب صفوی بود.

عمودی:

۱- باغ افلاطون- تومور- بازی حرام ۲- کاشف قانون وراثت- گوشه‌ای در دستگاه نوا- اسکلت فلزی اصلی ماشین ۳- از رشته‌های پزشکی- بیماری عفونی حاد کودکان ۴- قابل‌خوردن- خدای هندو- پایتخت اوکراین ۵- مغز سر- واحد پول روسیه- گوشه‌ای در دستگاه شور- باب روز ۶- صبر و شکیبایی- آسودگی- خباز ۷- نوعی سس سالاد- از نیروهای سه‌گانه ارتش ۸- از لوازم‌التحریر- بزرگواری- نژاد بزرگی از مردم سفیدپوست ۹- نوعی ماشین چاپ خودکار- غلبه و چیرگی ۱۰- بزک- پیشینه- از الفبای فارسی ۱۱- پرنده‌ای شناگر- دوتایی- نام غلام سلطان محمود- نیم‌کاسه! ۱۲- موی صورت مردان- کامل‌کردن- هاون ۱۳- حماقت- نوعی آرایش موی سر ۱۴- فدراسیون جهانی بسکتبال- سایه کسی را با تیرزدن- شهری در هندوستان ۱۵- مهربان- بخشش، عطا- صنعت جهانگردی.

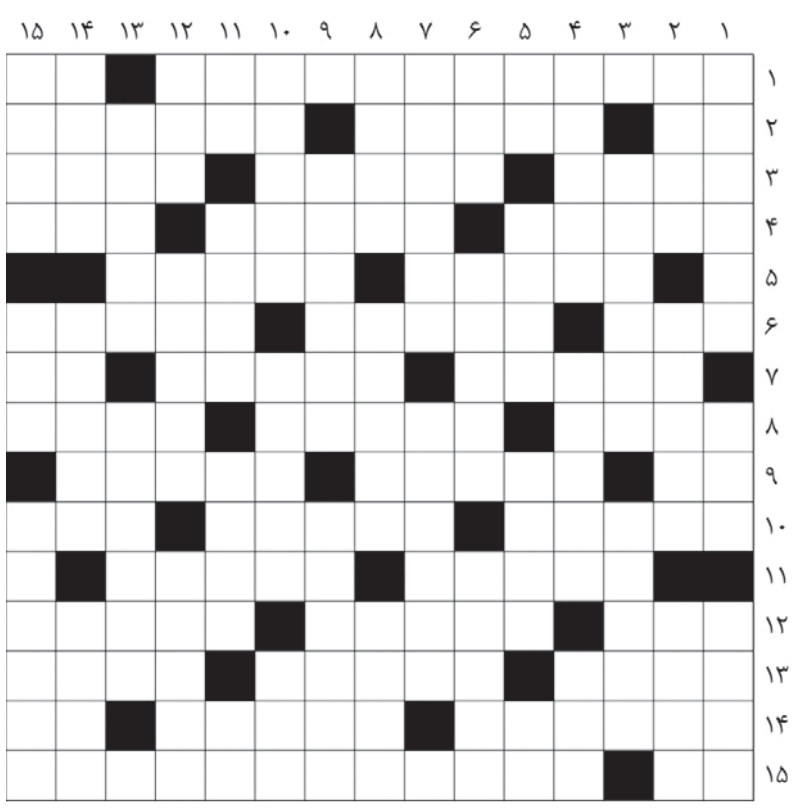

حل سودوکو سخت

۸	۲	۷	۵	۴	۱	۹	۶	۳
۱	۹	۶	۲	۸	۳	۷	۴	۵
۴	۵	۳	۶	۷	۹	۸	۲	۱
۹	۴	۱	۳	۵	۶	۲	۷	۸
۳	۷	۵	۸	۲	۴	۱	۹	۶
۶	۸	۲	۱	۹	۷	۵	۳	۴
۲	۶	۴	۹	۱	۵	۳	۸	۷
۵	۳	۹	۷	۶	۸	۴	۱	۲
۷	۱	۸	۴	۳	۲	۶	۵	۹

حل سودوکو ۲۱۷۸

۴	۲	۸	۹	۳	۶	۱	۵	۷
۷	۳	۹	۱	۵	۲	۴	۸	۶
۵	۶	۱	۴	۸	۷	۳	۹	۲
۸	۵	۳	۲	۴	۹	۶	۷	۱
۱	۴	۲	۶	۷	۸	۹	۳	۵
۶	۹	۷	۳	۱	۵	۸	۲	۴
۹	۱	۵	۷	۶	۳	۲	۴	۸
۲	۷	۴	۸	۹	۱	۵	۶	۳
۳	۸	۶	۵	۲	۴	۷	۱	۹

جدول ۳۱۸۲

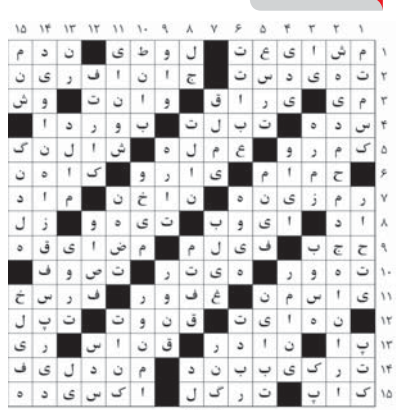

سودوکو سخت ۲۱۷۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۱		۳			۵		
۲				۵		۶		
	۷					۴	۳	۲
				۹				۵
		۱		۴		۲		
۵				۸				
۸	۳	۴					۷	
		۶		۷				۳
		۲			۸		۵	

سودوکو ساده ۲۱۷۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۷		۱		۴		۸		۳
۶					۷			
۴				۸		۷		
۳			۲			۹		
		۹	۶	۳	۱	۴		
		۸			۴			۷
		۴		۲				۶
			۴					۹
۹		۷		۶		۳		۴